

مهارت‌های استادان و مربیان کارآفرینی برای پرورش کارآفرینان نوپا در دانشگاه‌ها

قنبر محمدی الیاسی^{۱*} - مقصود فراستخواه^۲ - شیما فرخ^۳

۱. استادیار دانشگاه تهران

۲. استادیار دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۱۹، تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۴/۱۸)

چکیده

ایده‌پردازی، فرصت‌جویی و عمل‌گرایی به‌صورت توأمان، دیدگاه کارآفرینانه را به‌وجود می‌آورند که ماهیتاً مقوله‌ای نامشخص و غیرساختارمند است. بنابراین یادگیری و یاددهی این دیدگاه توسط مربیان و استادان حرفه‌ای به نسل جوان و با هدف ایجاد کسب‌وکارهای نوپا، موضوعی اساسی و چالشی محسوب می‌شود. با توجه به دغدغه‌ی بیان شده، این مسأله‌ی پژوهشی مطرح می‌شود که مهارت‌های یک استاد شایسته‌ی کارآفرینی معطوف به پرورش دانش‌آموخته‌ی کارآفرین یا کارآفرینان نوپا، کدامند؟ برای پاسخ به این سوال، از روش تحقیق کیفی و ابزار مصاحبه برای گردآوری اطلاعات از جامعه‌ی اساتید و دانشجویان رشته‌ی کارآفرینی در ایران استفاده شده است. بدین ترتیب که مصاحبه با ۲۴ نفر، شامل اساتید و دانشجویان رشته‌ی کارآفرینی انجام شد و یافته‌ی تحقیق، به‌عبارتی چارچوب ابتدایی مهارت‌ها بعد از اعمال نظر گروه کانونی (۷ نفر) - با رویکرد روش کیفی - برخوردار از پنج مقوله‌ی اساسی به شرح زیر ارائه شده است: مقوله‌ی یادگیری استاد-مربی، مقوله‌ی یاددهی استاد-مربی، مقوله‌ی برقراری ارتباط اثربخش، مقوله‌ی ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا، مقوله‌ی تحلیل محیط کسب‌وکار نوپا، شناسایی و ارائه‌ی مجموعه‌ای منسجم و متمایز از مهارت‌های مربیان-استادان کارآفرینی برای پرورش دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد کسب‌وکار، و وجه تمایز این پژوهش محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های استاد-مربی کارآفرینی، کسب‌وکار نوپا، دانش‌آموخته‌ی کارآفرین

مقدمه

کارآفرینی فرایند پویای رؤیایپردازی و عمل برای ایجاد کسب و کار است و از سویی دیدگاه کارآفرینانه ماهیتی غیرساختارمند^۱ دارد (Ronstadt, 1987). بنابراین یادگیری و آموزش این دیدگاه منحصر بفرد به نسل جوان، موضوعی جذاب، اساسی و چالشی محسوب می‌شود. وجود دانشجویان مستعد و علاقه‌مند به‌عنوان سنگ بنای آموزش کارآفرینی، به تنهایی منشاء پرورش کارآفرینان نوپا در دانشگاه‌ها نیست و استفاده از مربیان و استادان متناسب با ضرورت‌های آموزش کارآفرینی نیز مقوله‌ای بسیار با اهمیت در این عرصه به‌شمار می‌آید (Saeid et al., 2010:43).

در حال حاضر، با توجه به روند رو به‌رشد آموزش‌های کارآفرینی در جهان (Solomon, 2007) و هم‌چنین در کشورمان، اثربخشی آموزش‌ها در گروه‌ها و دانشکده‌های کارآفرینی از دغدغه‌ها و کنجکاوی‌های اساسی متولیان امور است. در این میان، استادان به‌عنوان عامل اساسی تاثیرگذار در تربیت دانشجویان (Swanck & Campbell, 1981) و هم‌چنین در تحقق رسالت دانشکده‌های کارآفرینی و اثربخشی آموزش‌های مربوطه (Kuratko, 2005) محسوب می‌شوند. استادان و مربیان کارآفرینی باید بتوانند دانشجویان کارآفرینی را برای فعالیت در محیط‌های غیرساختارمند و نامشخص تربیت کنند (Solomon, 2007). اسوانچک و کمبل^۲ (۱۹۸۱) معتقدند بایستی صرفاً معلمان ماهر، اجازه‌ی ورود به حرفه‌ی^۳ یاددهی را داشته باشند (Burke, 1989). به بیانی دیگر مربیان و استادانی می‌توانند دیدگاه کارآفرینانه را در نسل جوان پرورش دهند که الزامات مهارتی لازم را داشته باشند.

با توجه به تجارب نویسندگان طی سال‌ها تدریس و مصاحبه با متخصصان کارآفرین، شواهد نشان می‌دهد که بیش‌تر اساتید کارآفرینی کشور مهارت‌های حرفه‌ای لازم برای

1 Unstructured

2Swanck and Campbell

3 profession

یاددهی کارآفرینی به نسل جوان و پرورش کارآفرینان نوپا را ندارند، به‌عنوان نمونه، شیوه‌ی برگزاری کلاس‌ها عمدتاً مرور کتب و مقالات نظری به‌صورت سخنرانی توسط دانشجو و یا استاد است و کم‌تر به چگونگی ایجاد کسب‌وکار توسط دانشجو اشاره می‌شود. بی‌توجهی به این مساله سرخوردگی دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد کسب‌وکار را در پی خواهد داشت. با توجه به دغدغه‌ی بیان شده، مساله‌ی پژوهشی زیر مطرح می‌شود:

مهارت‌های لازم برای یک استاد شایسته‌ی کارآفرینی جهت پرورش دانش‌آموخته‌ی کارآفرین یا همان کارآفرینان نوپا کدامند؟

مروری بر ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق

مهارت به اجرای یک وظیفه‌ی خاص (Marrelli, 2005: 536) و یا به‌طور عام، به توفیق‌ها یا رفتارهایی گفته می‌شوند که به‌واسطه‌ی عمل یا آموزش به‌دست می‌آیند (Chong, 2009: 10). سیما سنقی (۲۰۰۷) مهارت را توانایی انجام یک وظیفه‌ی ذهنی یا فیزیکی می‌داند. به‌زعم نگارندگان، مهارت کارآفرینانه به‌عنوان یکی از ضرورت‌های حرفه‌ای مربیان و استادان کارآفرینی، به سطح خبرگی و توانایی کسب‌شده از طریق آموزش، تجربه‌ی کاری و اجتماعی مرتبط با یک حرفه و موقعیت خاص گفته می‌شود که دامنه‌ی تغییرپذیری مناسبی دارد. اندیشمندان کارآفرینی (Kirzner, Schumpeter, 1943; Timmons, 1985; Portes, 1998) توانایی در مواردی از قبیل: نوآوری، شبکه‌سازی اجتماعی، ایجاد کسب‌وکار، تامین مالی، و... را به‌صورت ضمنی و یا آشکار به‌عنوان مهارت‌های کارآفرینانه مطرح می‌کنند. با توجه به اهمیت قابل توجه بُعد مهارت در انجام موفقیت‌آمیز وظیفه‌ی معلمان کارآفرینی (Kuratku, 2005)، به ترتیب پژوهش‌هایی درباره‌ی مهارت‌های معلمان به‌صورت عمومی، مهارت‌های خاص مربیان و استادان کارآفرینی و درنهایت چارچوب‌های شناسایی مهارت‌ها مطرح می‌شوند.

مهارت‌های معلم بصورت عمومی

براساس دیدگاه پفیانکو^۱ (۲۰۰۹) معلمان موفق بایستی مهارت‌های چندگانه داشته باشند، به بیان دیگر از چهار نوع یادگیری به شرح زیر برخوردار باشند:

۱. یادگیری درباره‌ی دانایی‌های موردنیاز^۲، شامل: توانایی فراهم کردن، پردازش، انتخاب و بهره‌برداری از اطلاعات، توانایی یادگیری اثربخش در محیط یاددهی، تدوین برنامه‌های توسعه‌ی حرفه‌ای.

۲. آموختن چگونگی عمل کردن، شامل: بروز توانایی مرتبط با کار- حرفه (سطح فردی و گروهی) با توجه به شرایط کاری.

۳. آموختن ویژگی‌های شخصیتی- شناختی، شامل: عرضه و به کارگیری شخصیتی مناسب برای ایجاد تعادل بین جنبه‌های روحی و جسمی (مادی و معنوی) زندگی، داشتن توان پاسخ‌گویی و مسئولیت شخصی برای تصمیم‌ها و اقدام‌ها، به کارگیری مهارت‌های فکری (انتقاد، خلاق، حل مساله و نظایر آن) در حد خبرگی.

۴. یادگیری زندگی با یک‌دیگر، شامل: تمرین ارتباطات میان‌فردی برای شناخت، دوستی و هماهنگی بیش‌تر.

پیتراف‌الیو و کنث‌تی‌هنسن^۳ (۲۰۰۱) در پاسخ به پرسش نوع شایستگی‌های عمومی معلمان، پنج دسته‌ی اصلی مهارت‌های عمومی معلمان به شرح متعاقب را پیشنهاد کردند: مهارت‌های ارتباطی، دانش پایه، مهارت‌های فنی، مهارت‌های اجرایی و مهارت‌های میان فردی.

مهارت‌های ویژه‌ی مربیان و استادان کارآفرینی

هینونن و پویکیجوکی^۴ (۲۰۰۶) ابعادی از ضرورت‌های رویکرد کارآفرینانه به آموزش کارآفرینی شامل: تاکید بر نقش کلیدی کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها و

1 Erlinda C. Pefianco

2 Learning to know

3 Peter F. Oliva & Kenneth T. Henson

4 Hionon & Poikijoki

هم‌چنین توجه به روش‌های یاددهی عملی در آموزش کارآفرینی را مطرح کرده‌اند. چالش اصلی آموزش کارآفرینی، تسهیل یادگیری به‌دلیل حمایت از فرایندهای کارآفرینانه است. روش‌های یاددهی سنتی، بایستی توسط رویکرد کارآفرینانه شامل یادگیری در عرصه‌ی عمل و فراهم کردن فرصت‌های مشارکت فعال دانشجویان در محیط یادگیری تکمیل شوند. پژوهش بیان شده، دو بعد اساسی آموزش کارآفرینی شامل موضوع یاددهی (کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها) و روش یاددهی (یادگیری در عرصه‌ی عمل و مشارکت فعال دانشجویان در یادگیری) را به‌صورت ضمنی به‌عنوان ضرورت‌های مهارتی مربیان و استادان کارآفرینی مطرح می‌کند.

هم‌چنین کمیسیون اروپا در گزارش (۲۰۰۸) جایگاه کارآفرینی در آموزش عالی، تلاش کرده است تا معیارهای آموزش کارآمد کارآفرینی را مطرح کند. مربیان و استادان کارآفرینی برای یاددهی موفق در رشته‌ی کارآفرینی بایستی مواردی را داشته باشند که شامل: یاددهی مبتنی بر ارائه‌ی تجربیات و وقایع واقعی از محیط‌های کسب‌وکار به‌ویژه از زندگی خود (مربی یا استاد)، داشتن تجربه‌ی کسب‌وکار، توانایی حفظ ارتباطات شخصی قوی با بخش کسب‌وکار و در نهایت استفاده از شیوه‌های ویژه‌ی آموزش کارآفرینی شامل: کارهای گروهی برای خلق ایده‌های کسب‌وکار، مطالعه‌ی موردی و کارگاه‌های برنامه‌ریزی کسب‌وکار. کارن ون‌دام^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، به شایستگی‌های اثرگذار در شکل‌گیری رفتار کارآفرینانه‌ی معلمان توجه کردند. ترین بگر^۲ (۲۰۰۶) در پاسخ سوال "روش‌های متداول یاددهی توسط معلمان کارآفرینی، (برای رسیدن به اهداف یادگیری کارآفرینانه)" بیان می‌کند که: روش‌های جدید یادگیری مانند یادگیری الکترونیکی و روش‌های مبتنی بر عمل و نقش‌آفرینی فعال دانشجویان مانند ایفای نقش^۳ باید بیش‌تر استفاده شود. در این پژوهش معیارهای استادان کارآفرینی برای یاددهی مناسب شامل الزام به گذراندن دوره‌ی آموزش دانش کارآفرینی ویژه‌ی استادان و داشتن تجربه‌ی شخصی

1 Karen van Dam

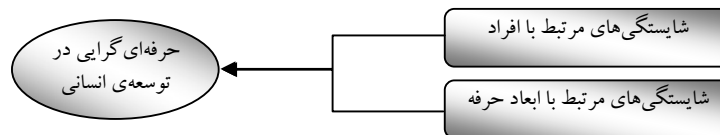
2 Torben Bager

3 Role play

کارآفرینی است. تعمق درباره‌ی پژوهش یادشده، ضرورت‌های حرفه‌ای مربیان و استادان کارآفرینی را از سه جنبه‌ی روش‌های یاددهی، کسب دانش کارآفرینی و داشتن تجربه‌ی کارآفرینی، مشخص می‌کند.

چارچوب‌های دسته‌بندی مهارت‌ها

اندیشمندان توسعه‌ی انسانی (Ulrich,2007; Katz & Kahn,1993) چارچوب‌های مختلفی را برای شناسایی مهارت‌های حرفه‌ای افراد ارائه کرده‌اند. اولریش (۲۰۰۷) برای شناسایی و سامان‌دهی شایستگی‌های حرفه‌ای‌گرایی در توسعه‌ی منابع انسانی، یک چارچوب دوبعدی شامل: ضرورت‌های انسانی و ضرورت‌های کسب‌وکار پیشنهاد کرده است. وی اعتقاد دارد توجه صرف به یک بُعد برای شناسایی شایستگی‌های حرفه‌ای، منجر به شکست در توسعه و پرورش افراد حرفه‌ای می‌شود و برای موفقیت در توسعه‌ی حرفه‌ای افراد، بایستی به صورت توأمان به دو بعد حرفه‌ای‌گرایی توجه شود.



نمودار ۱. چارچوب شایستگی‌های منابع انسانی (Ulrich,2007)

هم‌چنین کتز و کان^۱ (۱۹۹۳) معتقدند افراد برای موفقیت در سازمان‌ها بایستی به صورت توأمان سه دسته مهارت شامل: فنی، انسانی و نظری- ادراکی را - البته با شدت و ضعف متفاوت- داشته باشند. براساس بینش‌های به دست آمده از نوع دیدگاه‌های بیان شده، برای شناسایی مهارت‌های استادان کارآفرینی بایستی به سه دغدغه‌ی اساسی زیر توجه ویژه شود:

۱. یادگیری: معلم خود چگونه می‌آموزد تا بتواند یاددهنده‌ی خوبی باشد؟ (پرورش معلم)

1 Katz & Kahn

۲. یاددهی: معلم از چه روش‌هایی برای یاددهی موفق و اثرگذار به دانشجویان استفاده می‌کند؟ (یاددهی توسط معلم)
۳. کسب و کار نوپا: آیا فرایند یادگیری و یاددهی بر محور کسب و کار نوپا و بستر شکل‌گیری آن استوار است؟ (موضوع یاددهی توسط معلم)

روش‌شناسی

در این پژوهش از ابزار مصاحبه برای گردآوری اطلاعات اولیه و روش گروه کانونی به‌عنوان یکی از روش‌های معتبر تحقیق کیفی جهت تکمیل اطلاعات و اعتباربخشی به چارچوب مهارت‌ها استفاده شده است. به‌منظور مصاحبه، ابتدا پرسش‌هایی براساس نظریه‌ی برساخته‌ی شخصی (Kelly, 1950) و پژوهش‌های هینونن (۲۰۰۶)، بگر (۲۰۰۶)، نگارش شد. بعد از انجام مصاحبه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده به روش کدگذاری، چارچوب اولیه‌ی مهارت‌های اساتید کارآفرینی در اختیار اعضای گروه کانونی قرار گرفت و با بحث‌های لازم ارکان و محتوای چارچوب، تکمیل‌تر شده و به اعتبار چارچوب مهارت‌ها نیز توجه شد.

جامعه‌ی آماری با توجه به موضوع تحقیق، دو گروه اساتید و دانشجویان رشته‌ی کارآفرینی در ایران بودند. با توجه به اهداف تحقیق، از نمونه‌گیری نظری برای انتخاب دو دسته از نمونه‌ها بهره برده‌ایم و مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در بخش مصاحبه‌ها تعداد ۲۴ نفر شامل ۱۳ نفر از اساتید و ۱۱ نفر از دانشجویان و برای بخش گروه کانونی نیز ۷ نفر از اساتید براساس معیارهای مشخص (جدول شماره ۱) و به روش نمونه‌گیری قضاوتی انتخاب شد. نمونه‌گیری هدف‌دار از نوع قضاوتی بوده و توسط محقق برای کسب اطلاعات مطلوب از افرادی که بهترین شرایط را برای ارائه اطلاعات مورد نیاز دارند، که البته با توجه به دسترسی و تمایل به انجام مصاحبه، انجام می‌شود (sekaran, 2008: 263). لازم به یادآوری است در فرایند انتخاب نمونه‌ها دانش‌آموختگان و اساتید بایستی دو شرط اول را به همراه یکی از دو شرط بعدی داشته باشند.

جدول ۱. معیارهای انتخاب نمونه‌ها

شرایط استادان و مربیان	شرایط دانش آموختگان	شرایط ردیف
دارای تجربه‌ی ایجاد یا مدیریت کسب و کار	دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته کارآفرینی	۱
دارای حداقل ۵ سال سابقه‌ی کار اجرایی در سازمان خصوصی یا دولتی	علاقه‌مند به راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار	۲
حداقل سابقه‌ی ۳ سال آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها	دارای تجربه‌ی راه‌اندازی کسب و کار و یا مدیریت کسب و کار	۳
دانشجوی سال آخر کارشناسی ارشد کارآفرینی	دارای سابقه‌ی کار در یکی از سازمان‌های دولتی یا خصوصی	۴

برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای شامل: کدگذاری اولیه (شناسایی شواهد)، کدگذاری ثانویه (شناسایی شاخص‌ها) و مقوله‌بندی (شناسایی ابعاد) براساس منطق حاکم بر چارچوب مهارت‌ها انجام شده و برای روایی تحقیق از راه‌های متعددی استفاده شده است. از جمله در طراحی ابزار مصاحبه سعی شده نظام‌مندی سوالات رعایت شده و منبع استخراج سوالات از پژوهش‌های پیشین باشد. از سوی دیگر نکته‌ی قابل ملاحظه در تعیین روایی چارچوب پیشنهادی در این پژوهش بهره‌مندی از نظرات اعضای گروه کانونی در ویرایش و تکمیل اعتباربخشی چارچوب اولیه و ارائه‌ی چارچوب نهایی می‌باشد. هم‌چنین سعی شده دانشجویان و اساتید درگیر در فرایند یاددهی و یادگیری کارآفرینی به‌عنوان نمونه انتخاب شوند تا از این طریق روایی تحقیق نیز تکمیل تر شود.

یافته‌ها

در این پژوهش، دو دسته از ذی‌نفعان شامل اساتید رشته‌ی کارآفرینی (۱۳ نفر) و دانشجویان رشته‌ی کارآفرینی (۱۱ نفر) برای مصاحبه و در مرحله‌ی گروه کانونی ۷ نفر از اساتید رشته‌ی کارآفرینی با در نظر گرفتن شرایط خاص به‌عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شدند. اساتید همگی دارای سطح تحصیلی در مقطع دکتری و سابقه‌ی حداقل سه سال آموزش کارآفرینی در دانشگاه و حداقل ۵ سال سابقه‌ی کار اجرایی در سازمان‌های خصوصی و دولتی بوده‌اند و ۲۵ درصد نیز تجربه‌ی راه‌اندازی و یا مدیریت کسب و کار را دارند. دانشجویان نیز همگی علاقه‌مند به راه‌اندازی کسب و کار، دارای تحصیلات

کارشناسی ارشد در رشته‌ی کارآفرینی و حدود ۷۰ درصد نیز تجربه‌ی راه‌اندازی کسب‌وکار را دارند. برای تجزیه و تحلیل، متن کامل مصاحبه‌ها از روی فایل‌های صوتی ضبط شده، نگارش شد تا از این راه داده‌های خام برای کدگذاری فراهم شوند (جدول شماره ۲). برای کدگذاری، منطق طراحی چارچوب مهارت‌ها (توجه به فرایند یادگیری و یاددهی معلم) چراغ راه محققان بوده است که شامل چهار بُعد: یادگیری، یاددهی، کسب‌وکار نوپا و زمینه‌ی کسب‌وکار نوپا می‌شود. منطق موردنظر به این معنی است که یادگیری و یاددهی استاد باید به گونه‌ای اثرگذار و مفید، منجر به ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا توسط دانشجو شود. با این نوع نگاه گام‌های تحلیل عبارتند از:

گام اول تحلیل: در نخستین گام، کدگذاری اولیه یا همان شناسایی شواهد از مصاحبه‌های نگارشی، در قالب جدول شماره (۲)، به تفکیک نمونه‌ها انجام شد.

جدول ۲. نمونه‌ای از گزاره‌های کلامی

شناسایی شواهد موضوع (کدگذاری اولیه)	گزاره‌های کلامی	کد مصاحبه شونده
۱. تجربه‌ی کارآفرینی داشته باشد. ۲. تامین منابع مالی زندگی با (و درآمدی خود) رو از طریق کارهای کارآفرینانه تامین فعالیت‌های کارآفرینانه. ۳. تدریس باید بیان‌گوی نتایج کارهای کارآفرینانه‌ی استاد در بازار کار باشد.	۱. خودش کارآفرین باشد، یعنی در ۲. قسمت اعظم منابع مالی کار این که تدریس می‌کنه؛ رو از طریق کارهای کارآفرینانه تامین ۳. تدریس در کارآفرینی باید براساس تجربیات استاد در بازار کار باشد و چون خودش سهمی از بازار را در اختیار دارد بهتر می‌تواند و ...	T4 (معلم چهارم)

گام دوم تحلیل: در این گام، کدگذاری ثانویه یا همان شناسایی شاخص‌ها از مصاحبه‌ها، در قالب جدول شماره (۳) به تفکیک، انجام شد. کدگذاری ثانویه به سه روش متعاقب انجام شده است: الف) تلفیق و ترکیب شواهد مشابه، ب) استفاده از نظرات مصاحبه‌شوندگان به صورت مستقیم به عنوان شاخص‌ها، ج) معنابخشی براساس برداشت‌های محققان، و به‌علت تعداد زیاد کدهای ثانویه، نمونه‌هایی نیز بیان شده است.

گام سوم تحلیل: در گام سوم به منظور شناسایی مقوله‌ها به سه فعالیت اساسی زیر توجه

شد:

الف) مقوله‌بندی براساس منطق طراحی چارچوب، هم‌چنین تلاش شد در صورت لزوم منطق طراحی چارچوب براساس مقوله‌های تلفیقی بازنگری شود.

ب) معنابخشی توأم با تلفیق‌ها و ترکیب‌های لازم به کدهای ثانویه (شاخص‌ها) برای مقوله‌بندی توسط محققان.

ج) توجه به معیارهای تعریف و ارزیابی مقوله‌ها: در دسته‌بندی مقوله‌ها به معیارهای ایجاز‌گرایی (Whetten, 1989:493)، جامعیت، عدم هم‌پوشانی مفهومی - معنایی، ارتباط با موضوع، کاربردی بودن (Corley, 2011:15) توجه ویژه‌ای شد. نظرات و بحث‌های اعضای گروه کانونی به‌منظور ویرایش و تکمیل چارچوب اولیه اعمال گردید. جدول شماره (۳) بعد از اعمال نظرات اعضای گروه کانونی است.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری ثانویه (شناسایی شاخص‌ها)

کد مصاحبه شونده‌گان	کد ثانویه
S1, S5, S10, S11, T9, T3, T5	مهارت یادگیری از پروژه‌های پژوهشی، مشاوره‌ای مرتبط با کسب و کارهای نوپا
T10, T7, T6, T5, T4, T3, T2, T11, T8, T13, S1, S2, S3, S4, S5, S6, S7, S8, S11	یادگیری از فعالیت‌های ایجاد و اداره‌ی کسب و کار نوپا
S9, T8, T13	توان مستندسازی و مفهوم‌سازی تجربیات خود در زمینه‌ی کسب و کار

مقوله‌های پیشنهادی این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. مقوله‌ی یادگیری استاد-مربی

به توانایی استاد-مربی در کسب تجربه و بینش‌های لازم، مرتبط با فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب و کارهای نوپا گفته می‌شود. یادگیری معلم کارآفرینی معمولاً با مشارکت فعال در تعریف پروژه‌های پژوهشی - مشاوره‌ای مرتبط با ایجاد و اداره‌ی کسب و کارها به‌دست می‌آید. این مقوله شامل ۴ بُعد به شرح جدول شماره ۴ می‌باشد.

۲. مقوله‌ی یاددهی استاد-مربی

به توانایی استادان در ایجاد فرایند تعامل پویا بین خود، دانشجو و موضوع با هدف ایجاد و اداره‌ی کسب و کارهای نوپا توسط دانشجویان گفته می‌شود. در پرتو این نوع نگاه،

یک مربی یا استاد برتر کارآفرینی بایستی بتواند از روش‌های تعاملی- مشارکتی برای ترغیب دانشجویان در ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکارهای نوپا استفاده کند. این مقوله شامل چهار مهارت به شرح جدول شماره (۴) است.

جدول ۴. شناسایی مقوله‌ها

مقوله	کد ثانویه	کد مصاحبه شوندگان
مقوله‌ی یادگیری استاد	کسب تجربه با مشارکت در پروژه‌های پژوهشی، مشاوره‌ای مرتبط با کسب‌وکارهای نوپا	S1,S5,S10,S11,T9,T3,T5
	استفاده از تجربه‌های کارآفرینان و یا پژوهشگران-مشاوران و سیاست‌گذاران کارآفرینی	T10,T7,T6,T5,T4,T3,T2,T11,T8,T13,S1,S2,S3,S4,S5,S6,S7,S8,S11
	توان مستندسازی و مفهوم‌سازی تجربه‌های خود و دیگران در زمینه‌ی ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکارهای نوپا	S9,T8,T13
مقوله‌ی یاددهی استاد (موضوع-روش)	مهارت به کارگیری یاددهی تعاملی- مشارکتی در فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار	T2, T3, T4,T5,T9, T7T8,T6,T10, T11,T12, S1,S9,S2,S4,S5, S11,S3,S7,S8,S10
	مهارت تدوین و بازآفرینی طرح درس در ارتباط با یکی از ابعاد ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا	T9,S3,T6,T4,T9,S1
	تقویت توان خلاقیت و نوآوری در دانشجو (با مطرح کردن سوالات باز و برگزاری کلاس به روش طوفان مغزی)	T1,T6,T11,5
	مهارت انتقال و نشر تجربه‌های شخصی کارآفرینی به دانشجویان	S9,S1,T8,T13,T3,T9
مقوله‌ی برقراری ارتباط اثربخش	مهارت انجام کار گروهی با دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا	T13,T10,T8,T5,T3,T11,S10,S11,S1,S9
	مهارت ایجاد انگیزه‌ی یادگیری در دانشجویان برای ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا	T4,T12,T6,T11,T13,S2,S11,S3
	مهارت شبکه‌سازی اجتماعی با کارآفرینان و صاحب‌نظران مرتبط با حوزه‌ی یاددهی مورد نظر خود	T4,T7,T5,T9,T10,T3,T8,T12,T13,S2,S7,S5
مقوله‌ی ایجاد کسب‌وکار	توانایی تاسیس کسب‌وکار نوپا	T10,T7,T6,T5,T4,T3,T2,T11,T8,T13,S1,S2,S3,S4,S5,S6,S7,S8,S11
	توانایی کاربست نظریه‌های کارآفرینی برای یافتن راه‌حل جدید در فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا	S1,S2,S8,S4,T5,T6,T9
	مهارت شناسایی، تعریف و اجرای پروژه‌های مشاوره‌ای در زمینه‌ی ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا	S11,S3,S7,S9T3,T5
	مهارت ایده‌یابی و ایده‌پردازی مرتبط با ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکارهای نوپا	S1,S5,S10,S11,S9,T7,T9,T11,T12
	مهارت‌های عمومی کسب‌وکار (مدیریتی، بازاریابی، منابع انسانی، زبان کسب‌وکار- چینی و انگلیسی)	S3,S13,S10,S5,S8,S4,T9,T7,T4,T2,T13
مقوله‌ی تحلیل محیط کسب‌وکار	توان تحلیل محیط کسب‌وکار ایران و استفاده از آن در فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا	T7,T5,T4,T11,T8,T9,T10,S5,S19,S11,S3,S7,S9,P6
	توان تحلیل محیط کسب‌وکار جهان و استفاده از آن در فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا در ایران	T7,T5,T4,T11,T8,T9,T10,S5,S11,S3,S7,S9,P6

۳. مقوله‌ی برقراری ارتباط

توانایی مربی-استاد در ایجاد فرایندی تعاملی برای تقویت انگیزه‌ها، تبادل احساسات، نظرات و تجربه‌های بین استاد، دانشجو و جماعت کارآفرینان. این مقوله شامل مهارت‌های گروه‌سازی با دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا، شبکه‌سازی اجتماعی با کارآفرینان و صاحب‌نظران مرتبط با حوزه‌ی یاددهی مورد نظر خود و مهارت ایجاد انگیزه‌ی یادگیری در دانشجویان برای ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا است.

۴. مقوله‌ی ایجاد کسب‌وکار

به‌توانایی استاد در ایده‌پردازی، فرصت‌جویی و درنهایت تاسیس و اداره‌ی کسب‌وکارهای نوپا گفته می‌شود. براساس این مقوله از مربی و استاد کارآفرینی انتظار می‌رود از توانایی ایده‌پردازی و فرصت‌جویی خود برای ترغیب و شکوفایی این‌گونه صفات در دانشجویان، به‌طور هدفمند استفاده کنند. در چنین حالتی استاد کارآفرینی نقش یک مربی کاردان را در ارتقای توان ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپای دانشجویان ایفا می‌کند. این مقوله شامل شش مهارت به شرح جدول شماره (۴) است.

۵. مقوله‌ی تحلیل محیط کسب‌وکار

توانایی معلم در شناسایی و تحلیل وضعیت جاری شاخص‌های محوری محیط و سپس تبیین چگونگی تاثیرگذاری آن‌ها بر فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکارهای نوپا گفته می‌شود. این مقوله شامل مهارت‌های شناسایی و تحلیل شاخص‌های محیط کسب‌وکار ایران و استفاده از آن در فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا، توان شناسایی و تحلیل شاخص‌های محیط کسب‌وکار جهان و استفاده از آن در فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب‌وکار نوپا در ایران است.

بحث و نتیجه

این پژوهش، برای اولین بار به‌صورت متمایز، در عرصه‌ی پژوهش‌های کارآفرینی، مجموعه‌ای منسجم از مهارت‌های مربیان-استادان کارآفرینی با هدف پرورش دانشجویان مستعد و علاقه‌مند به ایجاد کسب‌وکارهای نوپا را ارائه می‌دهد.



نمودار ۲. مهارت‌های استاد-مربی کارآفرینی

یافته‌های این پژوهش بر محور مقوله‌ی یادگیری استاد-مربی، نشان می‌دهد که مربیان و استادان کارآفرینی بایستی از مهارت و توانایی لازم برای یادگیری به‌دست آمده از درگیری و مشارکت فعال در فرایند ایجاد و اداره‌ی کسب و کارها، تعامل با کارآفرینان، تعریف و هدایت پروژه‌های مشاوره‌ای-پژوهشی مرتبط با کسب و کارها برخوردار باشند. هم‌چنین بتوانند تجربه‌های خود را مستندسازی و به الگوها و چارچوب‌های مفهومی مقبول تبدیل کنند. در این پژوهش یافته‌های مرتبط با مقوله‌ی یادگیری استاد-مربی کارآفرینی، به‌صورت موردی و رگه‌ای با یافته‌های پژوهش پفیانکو^۱ (۲۰۰۹) و کمیسیون اروپا (۲۰۰۸) هم‌خوانی و تمایزاتی دارد. پفیانکو (۲۰۰۹) معتقد است معلمان بایستی افرادی علاقه‌مند به یادگیری باشند. به بیان دیگر، هنر و توان یادگیری و به‌ویژه یادگیری چگونگی عمل کردن، اساس موفقیت معلمان است. کمیسیون اروپا (۲۰۰۸) نیز گزارش می‌دهد که معلمان کارآفرینی بایستی تجربه‌ی مرتبط با کسب و کار داشته باشند. از منظر مقوله‌ی یادگیری، تمایز پژوهش جاری در تعریف قلمرو تجربه‌ها و مفهوم‌سازی‌ها مرتبط با فعالیت‌های کسب و کار است. یافته‌های این پژوهش بر محور مقوله‌ی یاددهی مربی-استاد نشان می‌دهد که مربیان-استادان کارآفرینی بایستی توانایی‌های لازم برای ایجاد تعامل بین خود، دانشجو و موضوع، با هدف ایجاد و اداره‌ی کسب و کارهای نوآ توسط دانشجویان را داشته باشند. به بیانی دیگر، از یک سو بتوانند، موضوعات اساسی و محوری مرتبط با فرایند ایجاد و

1 Pefianco

اداره‌ی کسب و کارهای نوپا را شناسایی و نگارش برنامه‌ای کند و از سوی دیگر بتواند روش‌ها و شیوه‌های یاددهی مناسب از قبیل؛ استفاده از روش‌های تعاملی-مشارکتی، تبادل تجربه‌های شخصی کارآفرینی، انتقال تجربه‌های مفید کارآفرینان به دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد کسب و کار را شناسایی، انتخاب و به کار گیرد. در ارتباط با مقوله‌ی یاددهی مربی-استاد، پژوهش پفیانکو (۲۰۰۹)، بر آگاهی و تسلط معلم بر موضوعات یاددهی برای موفقیت تاکید دارد. هیونن و پیکجوجوکی (۲۰۰۶)، بر ضرورت فرایند کارآفرینی (کشف، ارزیابی و بهره‌برداری از فرصت‌ها) به‌عنوان موضوع یاددهی و استفاده از روش‌های یاددهی عمل‌گرا مرتبط با فرایندهای کارآفرینانه توجه نشان داده‌اند. به بیانی دیگر، بر ضرورت استفاده از روش‌های یادگیری مبتنی بر عمل کارآفرینانه و مشارکت فعال دانشجویان در فرایند یادگیری تاکید دارند. کمیسیون اروپا برای یاددهی موفق، روش تبادل تجربه‌های مرتبط با کارآفرینی و منبعث از محیط واقعی را مطرح می‌کند. وجه مشترک یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های بیان شده براساس مقوله‌ی موضوع-روش یاددهی، توجه هم‌زمان به موضوع یاددهی بر فرایند کارآفرینی و روش یاددهی براساس شیوه‌ی تعاملی-مشارکتی و عمل‌گرایانه است.

یافته‌های این پژوهش درباره‌ی مقوله‌ی برقراری ارتباط اثربخش، نشان می‌دهد که مربیان و استادان کارآفرینی بایستی مهارت برقراری ارتباط اثرگذار برای تبادل احساسات، تقویت انگیزه‌ها و تجربیات با اساتید، دانشجویان و کارآفرینان را داشته باشند که با پژوهش‌های دام و همکارانش (۲۰۰۹)، پفیانکو (۲۰۰۹) در این زمینه مطابقت دارد. دام و همکارانش (۲۰۰۹) مهارت شبکه‌سازی و برقراری ارتباط را برای یک استاد ضروری می‌دانند. هم‌چنین پفیانکو (۲۰۰۹)، انجام کار گروهی و تعاملات اجتماعی را به‌عنوان یکی از مهارت‌های لازم معلمی می‌دانند. براساس مقوله‌ی ایجاد و اداره‌ی کسب و کار، یک مربی-استاد کارآفرینی بایستی توانایی لازم برای ایده‌یابی، فرصت‌جویی، تعریف پروژه‌های مشاوره‌ای و پژوهشی مرتبط با فرایند استقرار کسب و کار نوپا و مهارت‌های عمومی اداره‌ی کسب و کار را داشته باشد. در این رابطه، بگر (۲۰۰۶) در پژوهش خود اشاره می‌کند که یکی از معیارهای مهم استاد کارآفرینی موفق، داشتن تجربه‌ی شخصی

وی در زمینه‌ی کارآفرینی است. هم‌چنین در گزارش کمیسیون اروپا (۲۰۰۸) اشاره می‌شود که مربیان و استادان کارآفرینی بایستی ضرورت‌های راه‌اندازی کسب‌وکار و کارآفرین بودن را داشته باشند. تاکید بر توانایی معلم در ایده‌یابی و فرصت‌جویی مرتبط با ایجاد کسب و کار نوپا وجه تمایز این پژوهش می‌باشد.

براساس این پژوهش توانایی شناسایی و تحلیل محیط کسب‌وکار توسط یک مربی - استاد کارآفرینی، مقوله‌ای با اهمیت می‌باشد. در مقایسه‌ی یافته‌های پژوهش‌های پیشین با مقوله‌ی تحلیل محیط کسب‌وکار، کم‌تر به تحلیل محیط کسب‌وکار اشاره شده است اما به‌طور کلی در گزارش کمیسیون اروپا (۲۰۰۸) بر یاددهی براساس واقعیات محیطی و تحلیل آن‌ها تاکید می‌شود.

پیشنهادها

توجه به مقوله‌های بیان شده و تاثیرگذاری در عملکرد دانشجویان و استادان کارآفرینی پیشنهادهای پژوهشی، چنین عنوان می‌شود:

آزمون چارچوب مفهومی پیشنهادی با روش‌های کمی و میدانی برای سنجش میزان تعمیم‌پذیری، دغدغه‌ای اساسی محسوب می‌شود. شناسایی و استخراج معیارها و شاخص‌های عملیاتی از مقوله‌های بیان شده، برای ارزیابی عملکرد مربیان و استادان کارآفرینی در دنیای واقع، توصیه می‌شود. از منظری دیگر، طراحی، اجرا و سنجش اثربخشی دوره‌های آموزشی براساس مقوله‌های بیان شده برای آموزش و توسعه‌ی مربیان و استادان کارآفرینی پیشنهاد می‌شود. هم‌چنین درنهایت پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی به مواردی هم‌چون: بررسی ضرورت‌های ساختاری سازمان‌هایی که عهده‌دار برنامه‌های تقویت این مهارت‌ها در اساتید هستند، تمهید سازوکارهایی برای اجرای اثربخش شیوه‌های تدریس مختص رشته‌ی کارآفرینی، بررسی روابط بین مفاهیم چارچوب مهارت اساتید رشته‌ی کارآفرینی و تعیین اولویت ابعاد چارچوب بیان شده توجه شود.

منابع

- Bager, T. (2006). Entrepreneurship teaching and training in denmark:overview and policies. 1-10.
- Burke, J. W. (1989). Competency based education and training. The falmer press.
- Chong, s. , & Cheah, H. M. (2009). A value, skills and knowledge framework for initial teacher preparation programmes. teacher education,1-17.
- Corley, K. G., & Gioia, D. A. (2011). building theory about theory building: what constitutes a theoretical contribution? Academy of Management Review , 12-32.
- Dam, K. v., schipper, M., & runhaar, P. (2009). Developing a competency-based framework for teachers'entrepreneurial behaviour. Teaching and Teacher Education , 1-7.
- Heinonen, J. , & Pikkijoki, S. -A. (2006). an entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education:mission impossible? management development , 80-94.
- Heinonen, J. , & Pikkijoki, S. -A. (2006). an entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education:mission impossible? management development , 80-94.
- karimi, Saeid, Chizari, M., Biemans, H. J., & Mulder, M. (2010). Entrepreneurship Education in Iranian Higher Education:The Current State and Challenges. European Journal of Scientific Research , 35-50.
- Kelly, (1950). The Psychology of personal constructs. New York: Rotledge Vol.2
- klemp, G. O. (ed.) (1980). The Assessment of Occupational Competence, Washington, DC, Report to the National Institution of Education.
- Kuratko, D. (2005). The Emergence of Entrepreneurship Education: Development, Trendes, and Challenges. Entrepreneurship Theory & Practice, Vol29,577-598.
- Marrelli, A. F. , Tondora, J. , & A. Hoge, M. (2007). Strategies For Developing Competency Models. Administration and Policy in Mental Health, 533-561.
- Oliva, P. F. , & Henson, K. T. (2001). what are the essential generic teaching competencies. Theory into practice.
- Pefianco, E. C. (2009). competency standards for 21th century teachers in southeast asia. Quality teachers for the New Millenniun. bangkok.
- Portes Alejandro (1998), « Social Capital : Its Origins and Applications in Modern Sociology », Annual Review of Sociology, vol. 24
- Ronstadt, R. (1987).The educated entrepreneurs: A new era of entrepreneurial education is beginning. American Journal of Small

- Business, 11(4), 37–53.
- sanghi, s. (2007). *Competency Mapping: Understanding, Designing and Implementing Competency Models in Organization*. London: SAGE.
- Schumpeter, J. (1934) *The Theory of Economic Development*, Cambridge, Mass: Harvard University Press
- Sekaran, u. (2008). *Research Methods for Business: A Skill Building Approach*. John Wiley & Sons.
- Smith, Z. (2007). *Creating and testing the higher education leadership competencies (HELIC) model: A study of athletics, directors, senior student affairs officers and chief academic officers*.
- Solomon, G. (2007). *An examination of entrepreneurship education in the United States*. *Journal of Small Business and Enterprise Development*. Vol. 14 No. 2, 168-172
- Swanck, J. & Campbell, J. (1981) *Competence/performance-based teacher education: the unfulfilled promise*. *Educational Technology (June)*, PP.5-10.
- Timmons, Jeffry A. (1985). *New business enterprises; Entrepreneurship; Small business*. Macgrohill.
- Ulrich D., Brockbank W., Johnson D., and Younger J. (2007). *“Human Resource Competencies: Responding to Increased Expectations”*. *Employment Relations Today*. Vol. Pp:1-12.
- Whetten, D. A. (1989). *What constitutes a theoretical contribution? academi of management review*, 490-495.